

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ حَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

ارزش ذکر نفسی در نجات از ریا

شناسنامه مطلب	
e-m-123	کد مطلب
منطق/قیاس	موضوع
علمی/علوم عقلی/منطق/تحقیقی پژوهشی/دانش منطق/سؤال و تمرین	رده
شکل اول، شکل ثانی، شکل ثالث، محصوره کلیه، محصوره جزئیه، قضیه شخصی، قضیه محصوره، ریا، ذکر، ذکر کثیر، ذکر نفسی، کیف قضایا، کاربرد علم	برچسب
۱. محتوای این فایل، پاسخ به تمرین ۴۸۴ از تمارین کانال کاربرد علوم حوزوی در پیام‌رسان ایتا است. ۲. در تولید این فایل از نرم‌افزار جامع الاحادیث متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده شده است.	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

تمرین:

قال أمير المؤمنين ع من ذكر الله في السر فقد ذكر الله كثيرا إن المنافقين كانوا يذكرون
الله علانية و لا يذكرونه في السر فقال الله تعالى يراؤن الناس و لا يذكرون الله إلا قليلاً^۱

احتجاج علوی را به آیه بر مدعا در قالب اشکال منطقی درآورید.

پاسخ:

مطلوب:

«من ذكر الله في السر فقد ذكر الله كثيرا»

مواد موجود:

(۱) مفهوم آیه شریفه: المنافقون لا يذكرون الله كثيراً

(۲) المنافقون كانوا لا يذكرون الله في السر

ممکن است گفته شود که اگر برای رسیدن به مطلوب قضایا را تبدیل به قضیه مستقیمه بکنیم و بشود:

المنافق الذكر السري لا يفعله

المنافق الذكر الكثير لا يفعله

و سپس نتیجه بگیریم **الذكر السري هو الذكر الكثير**، مطلوب اثبات می شود.

لکن در **قیاس** تشکیل شده شرط انتاج وجود ندارد چرا که شرط شکل ثانی یعنی تخالف کیفی مقدمتین مراعات نشده است.

جهت اصلاح بیان قیاس فوق می توان گفت:

المنافق لا يذكر الله كثيراً

المنافق لا يذكر الله في السر

الذي لا يذكر الله كثيراً لا يذكره في السر

و با عکس نقیض موافق می‌شود: «الذي ذكر الله في السر ذكره كثيراً»

ممکن است اشکال شود که این قیاس نیز عقیم است زیرا شکل ثالث همیشه منتج جزئیه است. این شبهه در استدلال‌ات شبهه‌ی کثیر الوردی است و در جواب آن باید دقت نظر به خرج داد. توجه داشته باشیم که عدم انتاج کلیه در شکل ثالث مربوط به جایی است که مقدمتین، محصوره باشند و در فرض شخصیت مقدمتین و تکرار حد وسط، شکل، منتج شخصیه است و این قضیه بسا در برخی علوم مانند عرفان مفید باشد و حصر قضایای مفید در محصورات ناشی از فرض نابجای حصر فائده علم منطوق در مقدمیت فلسفه است.

حال می‌گوییم که عکس مستوی قضایای موجهه وارده در مقام تعریف-بنابر اشتراط اطراد در معرّف- کلیه است و لذا شکل ثالث منتج کلیه خواهد بود یعنی در ما نحن فیه می‌توان گفت که آیه شریفه می‌فرماید: «كل من لم يذكر الله كثيرا كان منافقا».

حال با شکل اول می‌گوییم:

كل من لم يذكر الله كثيرا كان منافقا

المنافق لا يذكر الله في السر

پس نتیجه می‌گیریم که كل من لا يذكر الله كثيرا لا يذكره في السر فافهم و اغتتم.